



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۴، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱



تیپه گاوور قلعه‌سی، استقرار گاهی از فرهنگ کورا-ارس در چالدران، شمال غرب ایران

افراسیاب گراوند^۱، اکبر عابدی^۲، قادر ابراهیمی^۳، فاطمه ملک پور^۴

DOI: 10.30495/peb.2022.699731

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳۰

چکیده

در اواخر هزاره چهارم ق.م، فرهنگی در قفقاز، شمال غرب ایران و شرق آناتولی شکل می‌گیرد که دامنه گسترش و نفوذ آن تا زاگرس مرکزی، مرکز و شمال ایران و حتی فلسطین امروزی گسترش پیدا می‌کند که به فرهنگ یانیق، ماورای قفقاز و یا فرهنگ کورا-ارس معروف است. در این دوره، شمال غرب ایران، شاهد افزایش وسعت محوطه‌ها، تغییر ناگهانی سفال و نیز افزایش بی‌سابقه‌ای در تعداد محوطه‌های استقرار است که نشان از نفوذ یک سنت فرهنگی جدید دارد. سنت سفال‌های نخودی منقوش دوره پیشین (مس و سنگ) تقریباً منسوخ شده و سفال‌های خاکستری سیاه داغ‌دار با نقوش کنده، جایگزین این سفال‌ها می‌شوند. هم‌زمان با نفوذ فرهنگ کورا-ارس به شمال غرب ایران، منطقه چالدران نیز تحت تاثیر این فرهنگ قرار می‌گیرد. تیپه گاوور قلعه‌سی، استقرار گاهی در دشت میان کوهی چالدران است که دارای شواهدی از فرهنگ کورا-ارس است. این محل که در فاصله ۲۳ کیلومتری شمال غرب شهر چالدران واقع شده، در راستای بازدید از آثار شهرستان مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی باستان‌شناختی، حاکی از این است که این محل، محوطه‌ای تک استقرار است که در اواخر هزاره چهارم و اوائل هزاره سوم ق.م شکل گرفته و دارای آثار و شواهدی (معماری سنگی و سفال‌های خاکستری) از این دوره فرهنگی است. سفال‌های این محوطه، بیشترین تشابهات را با سفال‌های یانیق تپه، محوطه کهنه‌شهر (روَض) چالدران، تیپه باروج مرند، محوطه دوزداغی خوی و تیپه‌های وزون و کول تپه II جمهوری آذربایجان دارند. در این پژوهش، سفال‌های گردآوری شده در بررسی باستان‌شناسی تیپه گاوور قلعه‌سی، مطالعه و مورد تحلیل باستان‌شناختی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: شمال غرب ایران، چالدران، گاوور قلعه‌سی، مفرغ قدیم (کورا-ارس)، سفال.

* **استاد:** گراوند، افراسیاب، عابدی، اکبر، ابراهیمی، قادر، ملک پور، فاطمه (۱۴۰۱). تیپه گاوور قلعه‌سی، استقرار گاهی از فرهنگ کورا-ارس در چالدران، شمال غرب ایران. *پیام باستان‌شناس*، ۱۴(۲۶)، ۱۰۳-۱۲۱.

^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل؛ رئیس میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان سلماس. نویسنده مسئول: garavand.afra@gmail.com

^۲ استادیار گروه باستان‌شناسی و باستان‌سنجی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز.

^۳ دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

^۴ کارشناس ارشد باستان‌شناسی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی، ارومیه.

مقدمه

در اواخر دوره مس و سنگ تحول جدیدی در بخش اعظم غرب آسیا (Abay, 2005; Batiuk and Rothman, 2007) و در ایران در تمامی قسمت‌های جنوبی دره رود ارس (Abedi et al., 2014; Maziar, 2010) و زاگرس مرکزی (Young, 2004; Mohammadifar et al., 2009؛ سجادی و سامانی، ۱۳۷۸) تا بخش‌هایی از مرکز فلات ایران (Alibaigi and Khosravi, 2009؛ فاضلی نشلی و آجورلو، ۱۳۸۳) رخ می‌دهد. این رویداد و تغییر در تمامی الگوهای زیستی و خصایص معیشتی ساکنان این مناطق، تحت تأثیر فرهنگ مردمان مهاجر و تازه واردی است که به زعم اکثر محققین و دانشمندان منطقه بین رود کُر (کور در ترکی آذربایجانی) و ارس، سرزمین اصلی و مادری این فرهنگ صورت پذیرفته است. پهنا و غنای فرهنگی این دوره فرهنگی، تقریباً بیشتر قسمت‌های منطقه شمالی غرب آسیا را در بر می‌گیرد و امروزه، این فرهنگ در کشورهای مختلف منطقه با نام‌های مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. چنانچه در منابع باستان‌شناسی ایران، این فرهنگ با نام «فرهنگ یانیق - یانیک» (طلایی، ۱۳۷۴: ۹-۶؛ Burney, 1969) در ماورای قفقاز قدیم» (Burney and Lang, 1971: 44)، در ارمنستان با «فرهنگ سنگاویت» (Baiburtyan, 1938)، در آناتولی با «فرهنگ کاراز» (Kosay and Turfan, 1959)، در لوانت با «فرهنگ خیربت کراک» (Amiran, 1965) و فرهنگ کورا-ارس (Kuftin, 1941) شناخته شده است. از این میان، نام کورا-ارس که بیشتر باستان‌شناسان شوروی سابق به کار می‌بردند، امروزه، موافقان بیشتری یافته و در منابع باستان‌شناسی غرب نیز پذیرفته شده است (علیزاده و آذرنوش، ۱۳۸۲: ۱۱؛ علیزاده، ۱۳۸۹). نظریات مختلفی درباره منشأ این فرهنگ وجود دارد و مناطق مختلفی را به عنوان سرزمین منشأ فرهنگ کورا-ارس مطرح کرده‌اند (Seyidov, 2000: 84). اما یکی از

محتمل‌ترین خاستگاه‌های اولیه این فرهنگ را می‌توان دره‌های حاصلخیز میانی رود ارس پیشنهاد داد (Burney, 1977: 121). در این دوره، زیستگاه‌ها در یک محدوده وسیع توپوگرافیکی پراکنده اند و بیشتر محوطه‌های دوره مس و سنگ در ادامه این دوره، مسکون می‌گردند (Burney and Lang, 1972: 203).

آغاز شهرنشینی و یا به عبارت دیگر، اواخر هزاره چهارم و اوائل هزاره سوم ق.م. در مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی یکی از مهمترین هزاره‌های تأثیرگذار، نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ غرب آسیا است.

این دوران، مقارن با رویدادهای بزرگی است که در آن جوامع وارد مسائل جدیدی مانند تخصص‌گرایی، تولیدات اقتصادی در مقیاس بزرگ و تجارت فرامنطقه‌ای می‌شوند (Batiuk and Rothman, 2007: 8) دوران مذکور نیز مقارن با تشکیل اولین دولت شهرها، آغاز شهرنشینی و گسترش خط و کتابت است (چایچی امیرخیز، ۱۳۹۰: ۶۴). این دوران (آغاز هزاره سوم ق.م) برای اغلب مناطق ایران، نشان از روند تغییرات گسترده فرهنگی - اجتماعی است که اغلب، آن را از نشانه‌های شروع دوره مفرغ اولیه به حساب می‌آورند. از اهم این تغییرات بر مبنای شواهد و مدارک باستان‌شناسی، می‌توان به تغییرات تکنولوژیکی، بافت جمعیتی، ارتباطات تجاری فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری نخستین جوامع مبتنی بر حکومت اشاره نمود (مترجم و نیکنامی، ۱۳۹۰: ۳۴). در ابتدای این دوران، در بسیاری از مناطق غرب آسیا شامل قسمت غربی ایران، قفقاز، آناتولی، لوانت و شمال میان رودان همانندی‌های شگفت‌آوری از خود نشان می‌دهند. در طی سه دهه اخیر، کاوش‌ها و بررسی‌های متعدد باستان‌شناختی در شمال غرب و مناطق مرکزی ایران صورت گرفته که دامنه نفوذ این فرهنگ را به طرف شرق، گسترش چشمگیری داده و منطقه ارومیه را به همراه حوضه ارس و رودخانه کورا در قلب این فرهنگ قرار داده است (چایچی امیرخیز،

منطقه، چنانچه شایسته و بایسته آن است، هنوز مورد مطالعات باستان‌شناختی قرار نگرفته است. پیشینه مطالعات این منطقه را، باستان‌شناسان آلمانی به سرپرستی ولفرام کلایس رقم زدند و تا به امروز نیز نتایج تحقیقات آن‌ها تنها اطلاعات پایه‌ای است که از باستان‌شناسی این منطقه در دسترس است. کلایس، نخستین بررسی‌های خود را در این منطقه از سال ۱۹۶۹ آغاز کرد. این مطالعات که وی به عنوان متخصص باستان‌شناسی بنا شروع کرده بود بیشتر با محوریت مطالعه و مستندنگاری قلاع ساخته شده و پیشینه تاریخی این استقرارگاه‌ها را در این منطقه شروع کرد که تا سال ۱۹۷۸ ادامه یافت. در مجموع این مطالعات، بیش از هزار مکان باستانی اعم از قلاع و محوطه‌های باستان‌شناختی، در این منطقه شناسایی و معرفی گردید (Kroll, 2004: 45). اولین مطالعات جدی در این منطقه، کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه بسطام است. کاوش در این محوطه به سرپرستی ولفرام کلایس بود که با مشارکت هیئت‌های باستان‌شناختی از امریکا و کانادا انجام یافت (Kleiss, 1979; 1988). دامنه مطالعات این کاوش از دوره مفرغ جدید تا دوره اورارتوییان در این منطقه بود. پس از کاوش هیئت آلمانی، دامنه کاوش‌ها در این محوطه، توسط هیئت ایرانی به سرپرستی حمید خطیب شهیدی ادامه یافت (خطیب شهیدی ۱۳۸۳). اما پس از یک دوره ای طولانی، شروع مجدد مطالعات در این محوطه با شروع کاوش‌های محوطه کهنه شهر چالدران ادامه یافت (Alizadeh et. al., 2015). این دژ-شهر دوره مفرغ قدیم، قبلاً توسط کلایس بررسی و تحت نام روض منتشر شده بود (Kleiss and Kroll, 1979). کاوش در این محوطه به سرپرستی علیزاده از دانشگاه‌هاوارد انجام یافت که این کاوش‌ها منجر به شناسایی آثاری از آغاز شهرنشینی و شکل‌گیری جوامع پیچیده در این منطقه گردید (Alizadeh, 2016).

کاوش‌های اخیر که در محوطه کول تپه گرگر صورت پذیرفته است، شواهد متقنی از فازهای اولیه و شکل‌گیری فرهنگ کورا-ارس را آشکار ساخته است که دامنه منطقه منشأ فرهنگ کورا-ارس را تا بخش‌های شمالی حوضه دریاچه ارومیه (جلفا، خوی، مرند و شبستر) پیشنهاد می‌دهد و مطمئناً بر اساس این یافته‌های جدید منطقه منشأ این فرهنگ می‌بایست مورد بازنگری قرار گیرد و تصور حضور فرهنگ کورا-ارس در فاز دوم و توسعه‌ای خود در شمال غرب ایران با چالش‌های اساسی روبرو خواهد بود (عابدی، ۱۳۹۳؛ عابدی، ۱۳۹۵؛ Abedi, 2016 et al., 2014). یکی از موارد مهم در مطالعات فرهنگ کورا-ارس در ایران شکل‌گیری قلاع و سکونتگاه‌هایی است که درون قلعه‌ها شکل گرفته‌اند و از این منظر که چنین تجربه‌ای برای اولین بار در این نقطه از آسیای غربی مورد شناسایی و پژوهش قرار می‌گیرد از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که، در کل قلمرو شناسایی شده فرهنگ کورا-ارس کمتر محوطه‌هایی از این فرهنگ شناسایی شده‌اند که ماهیت ساختار دفاعی و قلعه‌گونه داشته باشند.

در این میان، محوطه گاوور قلعه سی، قلعه‌ای تک دوره‌ای است که آثار و بقایای فرهنگی سطح آن، بیانگر شکل‌گیری این محوطه در اواخر هزاره چهارم و اوائل هزاره سوم ق.م. و به احتمال زیاد در فاز دوم فرهنگ کورا-ارس (کورا-ارس II) دارد. در این نوشتار سعی در معرفی آثار سطحی و موجود این محوطه و قلعه باستانی (!؟) و تحلیل این مواد از دوره مفرغ قدیم و جایگاه قرارگیری آن در بافت این فرهنگ در شمال غرب ایران پراخته خواهد شد.

پیشینه مطالعات باستان‌شناختی در منطقه چالدران و مناطق همجوار

با وجود نزدیک به یک سده از آغاز مطالعات باستان‌شناختی در لبه غربی آذربایجان ایران، نیمه شمالی این

بوم‌شناسی شهرستان چالدران

شهرستان چالدران، در گستره ای به پهنای ۱۹۷۴ کیلومتر مربع، در موقعیت جغرافیایی بین ۴۴ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۴۴ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی، در شمال غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. این شهرستان، از شمال و شمال غرب به شهرستان ماکو، از غرب به کشور ترکیه، از جنوب و جنوب شرق به شهرستان خوی و از شرق به شهرستان‌های شوط و قره ضیاءالدین محدود و از نظر تقسیمات سیاسی این شهرستان، دارای دو بخش مرکزی و دشتک و ۵ دهستان (چالدران شمالی و جنوبی)، به به جیک و آواجیق شمالی و جنوبی) است (نقشه ۱). نام سابق شهرستان از دو واژه ترکی و عربی «قره عینی»^۱ تشکیل شده بود که بعدها به سیه چشمه تغییر یافت. اما پس از انقلاب اسلامی به لحاظ واقعه جنگ بین ایران و عثمانی در دوم رجب ۹۲۰ ه.ق، به دلیل اهمیت جنگ به «چالدران» تغییر یافت (گراوند و عبدالله پور، ۱۳۹۵).

در این شهرستان، دو گروه قومی کرد و ترک سکونت دارند. کردها به گویش کردی و ترک‌ها به زبان و گویش ترکی آذربایجانی محاوره می‌نمایند. اکثر کردها به زبان و گویش ترکی تسلط داشته و در مجامع، به زبان ترکی محاوره می‌نمایند. ساکنین منطقه اعم از: کرد و ترک به زبان فارسی نیز تسلط دارند. از نظر مذهب، ترک‌ها شیعه و پیرو مذهب جعفری بوده و کردها اهل تسنن و پیرو مذهب شافعی هستند (گراوند و عبدالله پور، ۱۳۹۵: ۷).

شرایط اقلیمی و طبیعی منطقه و بارندگی فصول، منابع آب فراوانی را در منطقه بوجود آورده است که از جمله می‌توان: رودخانه دَره درمانی، سَعَدل چای، آغ چای بدولی، امامقلی چای، قیزلار چای، قره سو، شرلو چای،

آواجیق چای، اینچه چای، احمد دره سی و قازلی چای را نام برد. دیگر منابع آبی این شهرستان عبارتند از: آبشارها (آبشار شرشر قرقو، قرمزی داش و عرب دیزج)، تالاب‌ها (تالاب پیر احمد، زاویه، قوروگل، ناور، خان گل و مجنون)، سدها (سد بارون و باباحمد) و انواع چشمه‌ها (گراوند و عبدالله پور، ۱۳۹۵: ۵).

از نظر توپوگرافی، کوه‌های شهرستان چالدران، در واقع، ادامه سلسله جبال زاگرس از حد شهرستان ماکو تا حد شهرستان خوی هستند که از جانب شمال به جنوب امتداد دارند و نوار مرزی ایران و ترکیه را تشکیل می‌دهند و از مرتفع‌ترین نقاط این شهرستان هستند. چالدران از چهار جهت، به وسیله کوه‌های مرتفع و تپه‌های متعدد محاط شده است. کوه‌های مهم منطقه عبارتند از: کوه قانلی با ارتفاع ۲۵۰۳ متر، کوه اشنگل با ۳۰۸۵ متر، کوه شیخ سلو با ارتفاع ۲۷۵۲ متر، کوه پنجه سلیم با ارتفاع ۲۶۲۳ متر، و از کوه‌های دیگر که پایکوه ارتفاعات زاگرس محسوب می‌شوند، می‌توان به کوه دوشان تپه، یگماله و شاه بند لو اشاره کرد.

از نظر زمین‌شناسی نیز این شهرستان در ورقه زمین‌شناسی ۱/۱۰۰۰۰۰ چالدران واقع شده است. این محدوده، در واقع، انتهائی ترین بخش زون زمین‌ساختی البرز-آذربایجان در شمال غرب ایران است که ادامه آن وارد خاک ترکیه می‌شود. روند عمومی واحدهای سنگی در این بخش، مشابه ورقه‌های مجاور آن شمال غرب-شمال شرق و جنوب غرب-جنوب شرق است. از نظر موقعیت ساختاری، در این محدوده، می‌توان از واحدهای پرکامبرین تا عهد حاضر را دید. واحدهای پرکامبرین فقط در شمال شرق و جنوب منطقه رخمون دارند. واحد شمال شرقی متشکل از سنگ‌های دگرگونی گنایس، گرانیت گنایس و کمی میگمانیت است، بخش جنوبی منطقه قابل

ناصحیح از این واژه آن را به معنای سیاه رنگ کرده و در کنار عین، به معنای چشمه به سیاه چشمه تغییر یافته بود.

^۱ قره در زبان ترکی آذربایجان علاوه بر معنای سیاه رنگ به معنای وسیع، بزرگ و بلند نیز می‌باشد که در دوره پهلوی به خاطر درک

موقعیت شکل‌گیری و ویژگی‌های بصری محوطه گاوور قلعه سی^۱

محوطه کورا-ارسی گاوور قلعه سی در فاصله ۷۰۰ متری جاده آسفالت چالدران-آواجیق و ۴۵۰ متری شمال روستای قهرمان‌کندی، بر روی تپه ای طبیعی به مختصات جغرافیایی $39^{\circ} 15' 29'' N$ و $44^{\circ} 15' 54'' E$ واقع شده است. سطح قاعده تپه، تقریباً بیضی شکل بوده و با مساحت 150×50 متر، در جهت شمال شرقی-جنوب غربی شکل گرفته است. از نظر وضعیت توپوگرافی، اثر مذکور از سوی شمال (با شیب کند) و غرب (با شیب نسبتاً تند) به اراضی کشاورزی، از سوی شرق با شیب تند به جاده خاکی و از طرف جنوب با شیب کند به تپه‌های طبیعی محدود گردیده و ارتفاع بلندترین نقطه آن از سطح زمین‌های اطراف از سوی شمال و غرب ۶ متر و از سوی شرق ۱۵ متر است. راه دسترسی به محوطه از طریق جاده خاکی روستای قهرمان‌کندی-جبارلوکندی است که از دامنه شرقی آن می‌گذرد (نقشه و تصویر ۱). نزدیک‌ترین منابع آب به این محل دو چشمه هستند که یکی در فاصله ۱۵۰ متری جنوب شرقی و دیگری در ۲۰۰ متری شمال غربی آن جاری است و یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری این محوطه بوده‌اند.

با توجه به قرار گرفتن تپه بر بلندی که بر دشت میانکوهی دشتک مشرف بوده و همچنین آثار و بقایای دیوارهای سنگی در بخش جنوبی و شرقی، احتمالاً این محل یک قلعه استقراری اقماری و یا محل خاصی برای اقامت موقت بخشی از اعضاء جامعه در برخی از فصول گرم در بهار و تابستان بوده است (تصویر ۴) چرا که، سازه‌های موجود، شواهد متقنی از استقرار دایم در آن را به نمایش نمی‌گذارند. پس از بررسی سطحی قطعات فروان سفال،

توجهی از سنگ‌های دگرگونی شیبست سبز دیده می‌شود که آن را منسوب به پرکامبرین می‌دانند. از رسوبات پالئوزوئیک زیرین در این منطقه رخنمونی دیده نمی‌شود. در صورتی که سازندهای باروت، لالون، زایگون، میلا و شیل‌های اردوئین، گدازه‌ها و توف‌های سیلورین، سازندهای دونین و کربونifer رخنمون بسیار خوبی در مناطق مجاور مثل ورقة ماکو دارند. از پالئوزوئیک بالایی فقط سازندهای درود و روته در منطقه رخنمون دارند که به صورت چند برونزد کوچک و پراکنده می‌شود. رخساره‌های مزوزوئیک برونزد خوبی در منطقه دارند، به طوری که واحدهای تریاس تا کرتاسه در اطراف شهر چالدران و مرکز محدوده، به خوبی دیده می‌شوند، که شامل مجموعه ای از شیل خاکستری، سنگ آهک و ماسه سنگ تا پریدوتیت‌های خرد شده، گابرو، دیوریت، ترونجمیت و دیاباز هستند. این مجموعه، به صورت یک مجموعه افیولیتی دیده می‌شود. آهک‌های کرتاسه به صورت مترکم بوده و هیچ گونه لایه بندی نشان نمی‌دهند. این آهک‌ها، بر روی مجموعه افیولیتی و واحدهای قدیمی به صورت گسله جای می‌گیرد. سنگ‌های آذرین منسوب به ژوراسیک-کرتاسه متشکل از توده‌های نفوذی گابرو، دیوریت و ترونجمیت در جنوب منطقه در یک محدوده کوچک دیده می‌شود (حاجی زاده و رضازاده، ۱۳۹۳: ۴۹). نهشته‌های الیگو-میوسن گسترش وسیعی در جنوب شرق و شرق منطقه دارند که ادامه آن تا ورقة ماکو کشیده می‌شود. نهشته‌ها شامل: سنگ آهک، مارن و کمی ماسه سنگ است که هم ارز سازند قم، کنگلومرای قاعده، و واحد مارنی و ماسه سنگ بالایی واحد سازند قم هستند که به طور پیش رونده و دگرشیب بر روی واحدهای قدیمی قرار گرفته‌اند (همان: ۵۰).

^۱ آذربایجان قلعه و بناهایی که تاریخ احداث آن‌ها به دوران قبل از اسلام بر می‌گردد به گاور قلعه سی (قلعه کافران) معروف هستند.

^۱ نام اثر در زبان ترکی آذربایجانی برگرفته از دو واژه «گاوور» به معنی کافر و «قلعه سی» به معنی قلعه است. در بیشتر مناطق

برای بیان آنچه که در محیط اطرافش وجود داشته استفاده نموده است (قربانی و زنگنه، ۱۳۹۵: ۸۴).

سفال‌های گاوور قلعه سی

از بررسی سطح تپه گاوور قلعه سی تعداد ۱۰۲ قطعه سفال گردآوری شد (تصویر ۶). که از میان آن‌ها تعداد ۲۱ قطعه سفال که شامل تمامی گونه‌ها و اشکال است جهت: طراحی، عکاسی، طبقه بندی و گونه شناسی انتخاب گردید. در این جستار، سفال‌های نمونه برداری شده بر مبنای خصوصیات فنی (رنگ خمیره، نوع شاموت، میزان پخت، نوع پوشش، پرداخت)، تزئینی (نوع نقش) و شکل آن‌ها مورد طبقه بندی و گونه شناسی قرار گرفتند. در مرحله بعد، نتایج حاصل از این گونه شناسی با مطالعات مشابه در رابطه با سفال دوره مفرغ قدیم در مکان‌های باستانی دیگر مقایسه گردید و ارتباط گونه شناسی سفال تپه گاوور قلعه سی با سفال این دوره در دیگر مناطق مورد سنجش قرار گرفت و این مجموعه تاریخ گذاری شد. سفال‌های مجموعه مذکور را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: سفال‌های با خمیره ای در طیفی از رنگ خاکستری تیره و مایل به سیاه، سفال‌های با خمیره ای در طیفی از رنگ نارنجی.

سفال‌های خاکستری تیره

از مجموع ۲۱ نمونه سفال مورد مطالعه، تعداد ۱۸ قطعه یا ۸۶٪ از کل سفال‌ها به این گروه سفالی تعلق دارند. در ساخت اغلب نمونه‌ها، از دست و ماده چسباننده معدنی استفاده شده است. درون بافت اکثر نمونه‌ها، مواد آهکی و ذرات میکا به شکل دانه‌های سفید رنگ دیده می‌شود. همچنین در بافت برخی از سفال‌ها، کانی‌های ریز به رنگ سیاه قابل رویت است. درجه حرارت مورد نیاز برای پخت سفال‌ها کافی بوده و رنگ خمیره اغلب نمونه‌ها، یک دست است. سطح اکثر نمونه‌ها، صیقلی و داغدار بوده و همچنین روی دو سطح داخلی و خارجی آن‌ها،

استخوان، لاشه و قلوه سنگ، سنگ ساب، دست آس، ابزار و تراشه‌های ابسیدین (به رنگ‌های یشمی تیره، ابری، سیاه و قهوه ای با رگه‌های سیاه) و جوش کوره مشاهده و برای مطالعه بیشتر جمع آوری گردید (تصویر ۶).

تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های گاوور قلعه سی

ویژگی عمومی سفال‌های سنت کورا - ارس

همچنان که پیشتر بر آن اشاره رفت، در اوایل هزاره سوم ق.م به یکباره تغییری عمیق در داده‌های باستان شناسی شمال غرب و غرب ایران نسبت به دوره پیش؛ یعنی، دوره مس و سنگ جدید اتفاق افتاد که از مهم ترین نشانه‌های آن تغییر در بافت معماری و همچنین نوع سفال بود که به تغییر فرهنگ نسبت به دوره‌های قبل از خود اشاره داشت. از ویژگی‌های فرهنگی این دوره، استفاده غالب از سفال‌های تک رنگ خاکستری مایل به سیاه یا سیاه براق و دست ساز آن‌هاست که اغلب مواد چسباننده خمیره این سفال‌ها مواد معدنی بوده و سطح بدنه آن‌ها را خوب صیقل داده اند. سطح آن‌ها با روش کنده کاری و نقوش هندسی تزئین شده است (Henrickson, 1991). این سفال‌ها، داغدار بوده و فرم آن‌ها بیشتر کاسه‌های مخروطی شکل، فنجان دارای دو دسته بر شانه و کوزه‌های بزرگی است که دسته‌های بر روی شانه قرار دارد (Mason and Cooper, 1999). شکل ظروف دوره شکل گیری این فرهنگ کاسه و سبوه‌های گردن دراز است. لبه این سفال‌ها، ساده و برگشته و کف‌ها به دو فرم تخت و گرد است (قربانی و زنگنه، ۱۳۹۵: ۷۸). در این دوره سفالگر در نقش اندازی ظروف، بیشتر از نقوش هندسی استفاده کرده و از به کار بردن نقوش دیگر اجتناب کرده که به نظر تنوعی که در این نقوش دیده می‌شود، دست هنرمند را برای طراحی نقش‌های مورد نظر خود روی سطح سفال باز گذاشته و سفالگر از هر یک از این نقوش

گاهنگاری مقایسه‌ای

مهم‌ترین معیار مورد استناد جهت انجام گاه‌نگاری تپه گاور قلعه سی، شیوه تزئین و شکل سفالینه‌ها است. مطالعه شکل سفال‌ها و تزئینات روی آن‌ها حاکی از این است که تپه گاور قلعه سی در دوره مفرغ قدیم و در نیمه اول هزاره سوم ق. م. شکل گرفته است. سفال‌های این محوطه، بیشترین تشابهات را با یافته‌های دوره مفرغ قدیم تپه یانیک، گوی تپه، تپه باروج مرند، محوطه دوزداغی خوی، محوطه کهنه شهر چالدران، تپه آغشلو خوی دارند.

نتیجه‌گیری

شهرستان چالدران با دارا بودن آب و هوای کوهستانی با زمستان‌های پر برف و تابستان‌های معتدل و خنک و شرایط ایجاد مراتع مرغوب گسترده، دشت‌های مستعد جهت کشاورزی و دامپروری (برای سکونت بیلاق دامداران کوچ‌نشین و کشاورزان فصلی) می‌توانسته شرایط مناسبی برای استقرارهای دائم و موقت (کوچ‌نشینی) در دوره‌های مختلف را به وجود آورد. موقعیت استراتژیکی این شهرستان به عنوان یکی از راه‌های ارتباطی ما بین منطقه قفقاز جنوبی، شرق آناتولی و حوضه دریاچه ارومیه، بیانگر اهمیت نقش منطقه مذکور در انتقال فرهنگ‌ها در میان حوضه‌های فرهنگی گوناگون در دوران گذشته است. بررسی و مطالعه سفالینه‌های تپه گاور قلعه سی در منطقه چالدران نشان می‌دهد که این محوطه در اوائل هزاره سوم ق. م. شکل گرفته و هم‌زمان با دوره II فرهنگ کورا - ارس از یک سو با محوطه‌های شمال رود ارس (منطقه قفقاز جنوبی) و از سوی دیگر با محوطه‌های جنوب رود ارس در ارتباط بوده است. نزدیکی این منطقه با شرق آناتولی نیز بر روی تعامل و فرهنگ‌های کورا - ارس این منطقه و این محوطه نیز تأثیر بسزایی داشته است چرا که، از لحاظ فرم و تزئینات سفال‌ها شباهت بسیار نزدیکی با محوطه‌های شرق آناتولی را نشان می‌دهد. قرار گرفتن در

پوشش‌های گلی غلیظ و رقیق به رنگ قهوه ای روشن، نخودی و قرمز به کار رفته است. بیشتر این ظروف، دارای لبه به خارج برگشته هستند. سفال‌های خاکستری تیره و مایل به سیاه را می‌توان به دو دست‌مجموعه و منقوش تقسیم‌بندی کرد؛ سفال‌های منقوش اغلب با نقوش هندسی به صورت کنده تزئین شده‌اند، زمینه نقوش به طور کامل برداشته شده و حالت نقش برجسته نشان می‌دهد (شکل ۱: ۱، ۲ و ۴). این نقوش که نزدیک لبه و بدنه ظرف ایجاد شده‌اند، شامل: خطوط مواج، عمودی و افقی، نقوش مارپیچی و چاله‌های فرورفته یا همان چاله‌های نوک انگشتی هستند. اغلب این ظروف صیقلی شده‌اند و لبه‌های آن‌ها به خارج برگشته و در برخی موارد، دارای بدنه زاویه دار هستند (شکل ۱: ۱-۶؛ شکل ۲: ۷-۱۰ و ۱۲). دسته‌ای از ظروف نیز با یک شیء نوک تیز بدون نقش برجسته تزئین و به صورت ساده داغدار شده‌اند (شکل ۱: ۴؛ شکل ۳: ۱۸ و ۱۹).

سفال‌های نارنجی

تعداد ۳ قطعه یا ۱۴٪ از کل سفال‌های بررسی به این گروه سفالی تعلق دارند. این نمونه سفال‌ها، دارای آمیزه یا شاموت معدنی بوده و با دست ساخته شده‌اند. سفال‌ها دارای پخت کافی و اغلب ساده هستند. درون بافت اغلب نمونه‌ها مانند سفال‌های خاکستری، مواد آهکی به شکل ذرات سفید رنگ و نیز ذرات میکا و کانی‌های ریز و درشتی به رنگ سیاه قابل رویت است. اغلب نمونه‌ها، دارای سطحی صاف و هموار و سطح برخی نیز صیقل داده شده است. سطوح خارجی و داخلی این سفال‌ها با لعاب گلی غلیظ در طیفی از رنگ‌های نخودی و نخودی مایل به قهوه ای پوشش داده شده است (شکل ۳: ۱۴، ۲۰ و ۲۱).

از شمال غرب ایران و چرایی حضور این محوطه‌ها یاری کند.

وسعت زمین‌های حاصلخیز و قابل کشت، میزان بارش، ارتفاع مناسب، راه دسترسی، منابع سوخت، منابع آب دائمی فراوان، وجود مراتع و پوشش گیاهی مناسب و قابل دسترس در اطراف محوطه، از مهم ترین عوامل شکل گیری آن در این منطقه بوده است. این اثر باستانی مهم ترین پتانسیل و شرایط بهره برداری اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، دامپروری و تجارت و مبادلات فرهنگی (سنگ ابسیدین به عنوان کالای وارداتی) با مناطق هم جوار را نیز به همراه داشته است.

منابع

خطیب شهیدی، حمید (۱۳۸۹). *تمدن اورارتو، بخش دوم: باستان شناسی اورارتو پس از سال ۱۹۶۰*، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده باستان‌شناسی، ۳۲۱-۳۸۷.

چایچی امیرخیز، احمد (۱۳۹۰). *تحلیل تکوین فرهنگ‌های مفرغ قدیم در شمال غرب ایران، مطالعات باستان‌شناسی*، ۳(۱)، ۶۶-۸۸.

حاجی زاده، فوزیه، رضازاده، محمد امین (۱۳۹۳). *دیره المعارف روستاهای آذربایجان غربی (چالدران)*، تهران: وارستگان نوایغ سرآمد.

رضالو، رضا، زبان بند، نسرين (۱۳۹۴). *فرهنگ یانیق یا کورا-ارس؛ تأکیدی بر عنوان کورا-ارس بر اساس مطالعات آماری، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۵(۸)، ۷-۲۰.

سجادی، سیدمنصور، علی سامانی، نوروز (۱۳۷۸). گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد لرستان، *باستان‌شناسی و هنر ایران* (۳۲ مقاله در بزرگداشت دکتر نگهبان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۰-۸.

مسیر تجارت مواد خام و مخصوصاً ابسیدین مطمئناً یکی از مهم ترین کارکردها و علل شکل گیری محوطه‌هایی مانند تپه گاوور قلعه سی در این منطقه است چرا که، این محوطه در مسیر اصلی تجارت معادن معروفی همچون تندورک، میدان داغ، سوپحان داغ و غیره بوده است و مسلماً محوطه‌ها گاوور قلعه سی نیز نقش عمده ای در به کارگیری از این منابع و احتمالاً انتقال آن‌ها به محوطه‌های شرقی تر شمال دریاچه ارومیه در منطقه خوی و جلفا و مغان داشته اند.

آغاز عصر مفرغ قدیم در قفقاز، ماورای قفقاز، نیمه شمالی حوضه دریاچه ارومیه و شرق آناتولی با فرهنگ کورا - ارس شناخته می‌شود. تمامی سفال‌های تپه گاوور قلعه سی متعلق به این فرهنگ است. از ویژگی‌های شاخص سفال این محوطه، این است که این سفالینه‌ها به رنگ خاکستری، خاکستری تیره و درصد اندکی نارنجی، دست ساز با شاموت کانی و دارای سطحی داغدار و صیقلی اند. تزئین در این سفال‌ها اغلب به صورت حکاکی با نقش مایه‌های هندسی (خطوط موج، عمودی و افقی، نقوش ماریچی و چاله‌های فرورفته یا همان چاله‌های نوک انگشتی) است. سفال‌های تپه گاوور قلعه سی بیشترین تشابهات با محوطه کهنه شهر چالدران (شمال غرب دریاچه ارومیه)، تپه باروج مرند (شمال شرق دریاچه ارومیه) و یانیک تپه (شرق دریاچه ارومیه) دارد. این تشابهات، هم در شکل ظروف و هم در تزئینات مشهود است.

وجود ویژگی‌های یافته‌های سفالین و نیز تک دوره ای بودن تپه گاوور قلعه سی، گویای آثار مرحله II فرهنگ کورا-ارس است. بنابراین، مطالعه این محل، به عنوان یکی از محوطه‌های مهم مرحله II فرهنگ کورا - ارس اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند ما را در شناخت از محوطه‌های فاز II فرهنگ کورا - ارس و نیز چگونگی شکل گیری محوطه‌های قلعه مانند و دارای حصار دفاعی در این منطقه

گراوند، افراسیاب، عبدالله پور، محرم (۱۳۹۵). قره کلیسا پردظ نمایش نمادها و سمبل‌ها، مجموعه مقالات چهارمین کنگره معماری و شهرسازی ایران (استان آذربایجان غربی)، زیر چاپ.

گراوند، افراسیاب، ملک پور، فاطمه (۱۳۹۵). محوطه دوزداغی در دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (آذربایجان غربی)، زیر چاپ.

مترجم، عباس، نیکنامی، کمال‌الدین (۱۳۹۰). عصر مفرغ در شرق زاگرس مرکزی-ایران، مطالعات باستان‌شناسی، ۳(۲)، ۳۴ تا ۵۴.

ملک پور، فاطمه (۱۳۸۹). مطالعه و تحلیل الگوهای استقرار مس سنگی تا پایان مفرغ قدیم شهرستان‌های خوی و سلماس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

ملک پور، فاطمه، گراوند، افراسیاب (۱۳۹۵). گزارش گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم محوطه دوزداغی خوی، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی (منتشر نشده).

Abay, E. (2005). The Expansion of Eraly Transcaucasian Culture: Cultural Interaction or Migration?, *Altoriental Forsch*, 32(1), 115-131.

Abedi, A. (2016). New Evidence from Neolithic to Achaemenid Periods in North-Western Iran: Excavations at Kul Tepe (Hadishahr), Second Preliminary Report (2013). *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 6(1), 53-64.

Abedi, A., Khatib Shahidi, H., Chataigner, C., Niknami, K., Eskandari, N., Kazempour, M., Pirmohammadi, A., Hoseinzadeh, J., & Ebrahimi G. (2014). Excavation at Kul Tepe of (Hadishahr) North-Western Iran 2010: First Preliminary Report. *Ancient Near Eastern Studies*, 51, 33-165.

Alibaigi S., & Khosravi S., (2009). Kura – Arax pottery in Qazvin plain. *Antiquity*, 320.

Alizadeh, K. (2016). *Social Inequality at Köhne Shahar, an Early Bronze Age Settlement in*

طلایی، حسن (۱۳۷۴). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

عابدی، اکبر (۱۳۹۳). فرایند گذار از دوره مس و سنگ جدید به مفرغ قدیم و بسط و توسعه فرهنگ کورا-ارس در شمال غرب ایران، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران (منتشر نشده).

عابدی، اکبر (۱۳۹۵). گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه کول تپه‌های شهر، شمال غرب ایران، مطالعات باستان‌شناسی، ۱(۱)، ۹۱-۱۱۱.

عبدالله پور، محرم، گراوند، افراسیاب (۱۳۹۵). سیمای تاریخی، فرهنگی و گردشگری چالدران، چاپخانه دیجیتال پایون، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی.

علیزاده، کریم (۱۳۸۹). فرهنگ کورا-ارس ماورا قفقاز قدیم یا فرهنگ یانیق، مجله باستان‌شناسی ایران، ۱(۱)، ۸۵-۶۹.

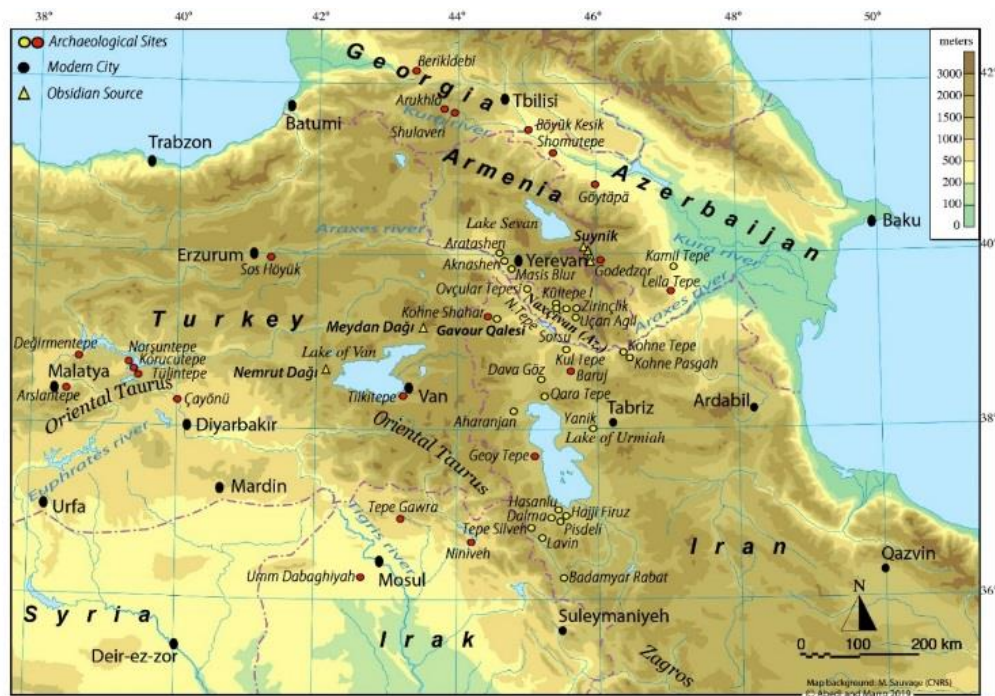
علیزاده، کریم، آذرنوش، مسعود (۱۳۸۱). بررسی روشمند تپه باروج: روش نمونه برداری و نتایج مطالعات آماری، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ۳۳، ۳-۱۶.

فاضلی نشلی، حسن، آجورلو، بهرام (۱۳۸۳). درآمدی بر بسط فرهنگ کورا-ارس در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد در دشت قزوین، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران؛ حوزه شمال غرب، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۸۱-۱۹۲.

قربانی، حمیدرضا، زنگنه، لیلیا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل ویژگی‌های بصری و سبک تصویری نقوش سفال‌های فرهنگ کورا-ارس (بر اساس محوطه یانیک تپه)، جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۱(۱)، ۷۵-

- Kleiss, W. (1979). *Bastam I: Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1972-1975*. Berlin: Gebr. Mann Verlag.
- Kleiss, W. (1988). *Bastam II: Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1977-1978*. Berlin: Gebr. Mann Verlag.
- Kleiss, W., & Kroll, S. (1979). Ravaz und Yakhvali, zwei befestigte Plätze des 3. Jahrtausends. *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 12, 27-47.
- Kroll, S. (2003). Prehistoric Settlement Patterns in the Maku and Khoy: Regions of Iranian Western Azarbaijan, in M. Azarnoush (ed.), *proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region*, pp. 45-56.
- Kosay, H.Z. & Turfan, K. (1959). Erzurum Karaskazisi Rapora. *Belleten*, 3(91), 349-413.
- Kuftin, B.A. (1941). *Archaeological Excavation at Triale*, Vol. 1. Tbilisi.
- Mason, R.B. & Cooper, L. (1999). Gory tepe trography and Early Caucasian at Godin tepe. *Iran*, 37, 25-37.
- Maziar, S. (2010). Excavations at Kohne Pasgah Tepesi the Araxes Valley Northwest Iran: First Preliminary report, *Ancient Near East Studies* 47, 165-193.
- Mohammadifar, Y., Motarjem, A., & Torabzadeh Khorasani, H. (2009). Tepe Pissa: New investigations at a Kura-Araxes site in central western Iran. *Antiquity* 83(320).
<http://antiquity.ac.uk/projgall/mohammadifar1/>.
- Palumbi, G. (2008). *The Red and Black Social and Cultural Interaction between the Upper Euphrates and the Southern Caucasus Communities in the Fourth and Third Millennium BC.*, Roma: Dipartimento di Scienze Storiche Archeologiche e Antropologiche dell'Antichità, Sapienza Università di Roma.
- Seyidov, A.G. (2000). *Nakhichevanin Lik Tuny Dovre Abideleri vc Onlaran Doverleshdirilmesi*, Baku, Bilik.
- Young T.C. J . (2004). *Kangavar Survey—Periods VI – IV IN A View from the Highlands: Archaeological studies in honor of Charles Burney*, Netherlands, 645 – 660.
- Iranian Azerbaijan*, Department of Anthropology, Harvard University.
- Alizadeh, K., Eghbal, H., Samei, S., (2015). Approaches to social complexity in Kura-Araxes culture: A view from Konee Shahar(Ravaz) in Chaldran, Iranian Azerbaijan. *Paleorient*, 41(1), 37-54.
- Amiran, R. (1965). Yanik Tepe, Shengavit, and the Khirbet Kerak Ware. *Anatolian Studies*, 15, 165-167.
- Badalyan, R. (2014). New data on the periodization and chronology of the KuraAraxes culture in Armenia. *Paléorient*, 40(2), 71-92.
- Baiburtyan, E.A. (1938). Kultovy Ochang Iz Raskopok Shengavits Kogo Poseleniya 1936-1937 (Cultural Hearths from the Excavation of the Shengavit Settement in 1936- 13937). *Vestnik Dreneilstorii*, 4, 255-259.
- Batiuk S. D. and M. S. Rothman, 2007, Early Transcaucasian Cultures and their Neighbors: Unraveling Migration, Trade and Assimilation, Expedition 49, Number 1, pp. 7-.
- Burney, C.A. (1961). Excavation at Yanik tape North – west Iran. *Iraq*, 23(2), 138- 153.
- Burney, C.A., (1961). Excavation at Yanik tape, Azerbaijan, 1961 Second Preliminary Report. *Iraq*, 24, 134- 152.
- Burney, C.A., (1973). Excavation at Haftavan tepe, 1971: Third preliminary Report. *Iraq*, 11, 153-172.
- Burney, C.A. (1977). *From Village to Empire*. Phaidon.
- Burney, C.A., & Lang, D. (1971). *The peoples of the Hills*. London: Weidenfeld and Nicolson.
- Brown, B.T. (1951). *Excavation in Azerbaijan, 1948*, London.
- Henrickson. R.C. (1991). The Bronze Age in Northwest, Western and Southwestern Persia, in E. Yarshater, (ed.), *Encyclopedia Iranica*, Vol. V, New York, 288-294.
- Ismailov, G.S. (1986). Uzun Tepe, in J.B. Guliev (ed.), *Azerbaijan Sovet, Ensiklopediyinsi*, Vol. IX, Baku, 427.

ضمایم



نقشه ۱: موقعیت تپه گاور قلعه سی در شمال غرب ایران و محوطه‌های شاخص عصر مفرغ قدیم قفقاز جنوبی و شرق آناتولی (Abedi and Marro, 2019)



تصویر ۱: موقعیت تپه گاور قلعه سی بر روی عکس هوایی



تصویر ۲: دورنمایی از تپه گاور قلعه‌سی، دید از جنوب



تصویر ۳: دورنمایی از تپه گاور قلعه‌سی، دید از شمال شرق



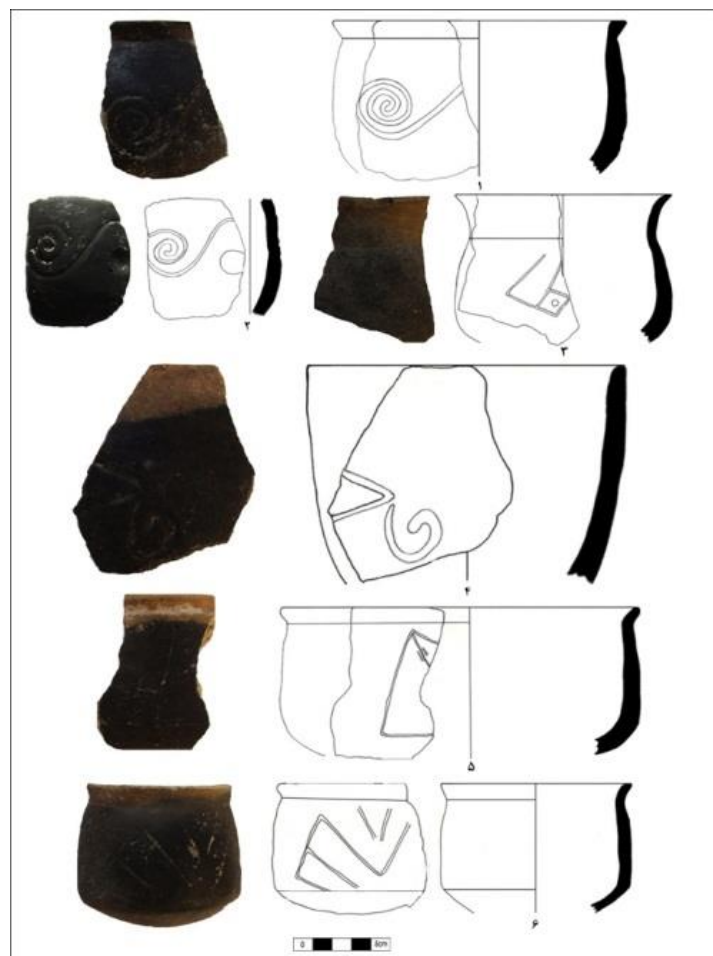
تصویر ۴: بقایای دیوار در بخش جنوبی تپه گاور قلعه سی



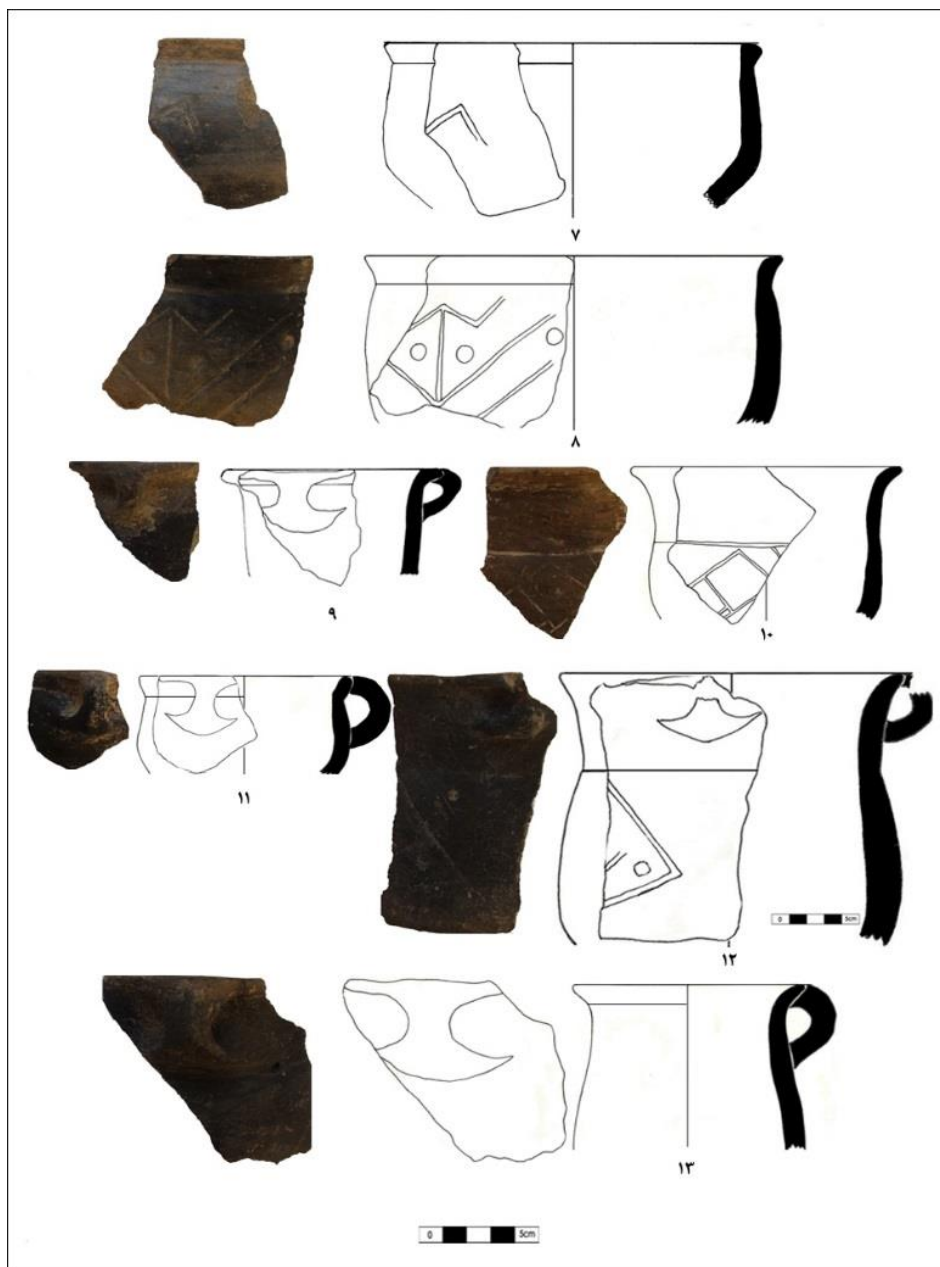
تصویر ۵: چاله حفاری غیر مجاز و نمایان شدن لایه‌ها و نهشته‌های باستان‌شناختی



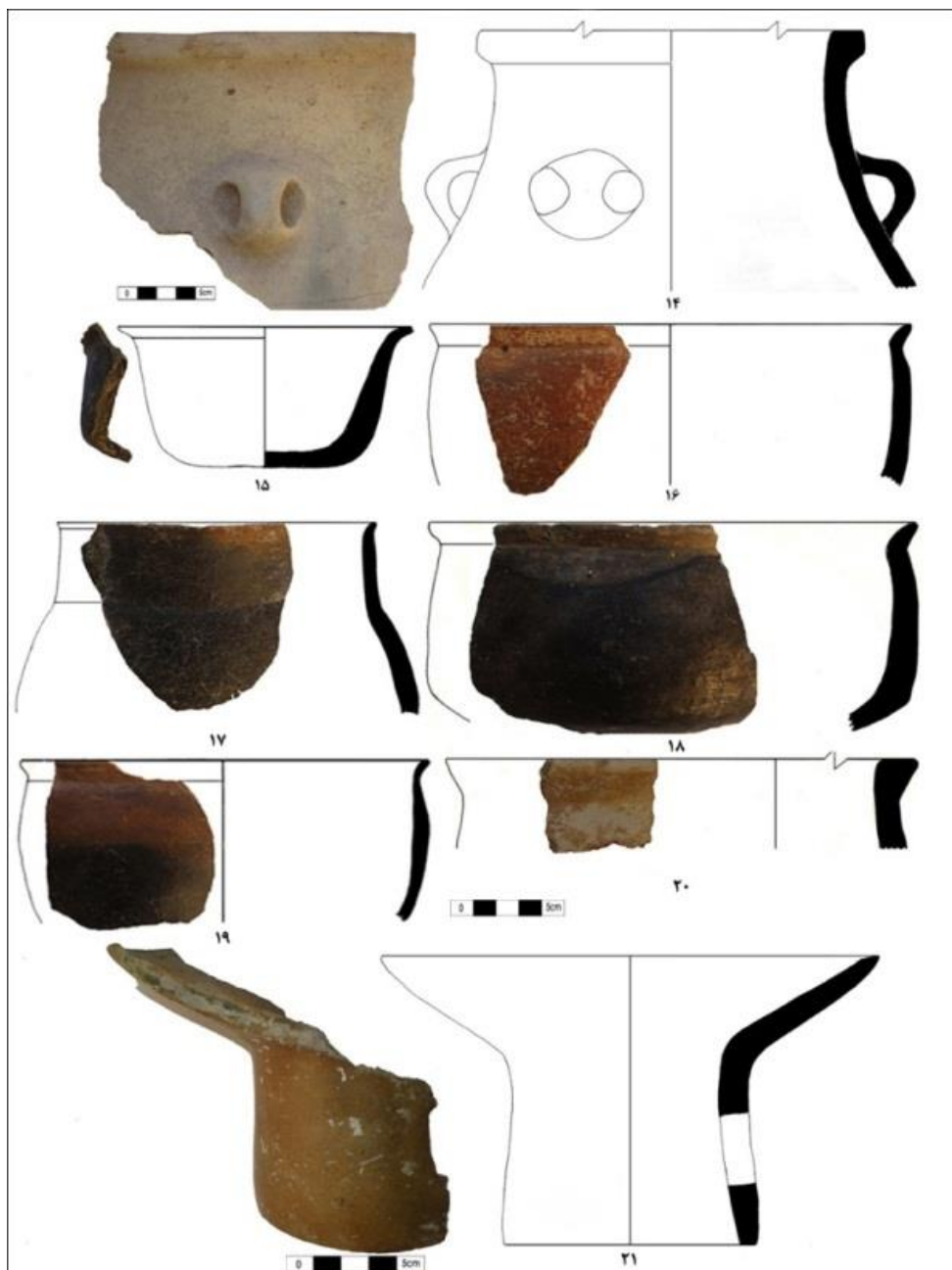
تصویر ۶: مواد فرهنگی سطح تپه گااور قلعه سی



شکل ۱: کوزه‌های سیاه و خاکستری رنگ قلعه گااور با نقوش کنده هندسی و پیچک‌های شاخص فرهنگ سفالی کورا-ارس



شکل ۲: کوزه‌های سیاه و خاکستری رنگ قلعه گاور با نقوش کنده هندسی سفالی کورا-ارس



شکل ۳: نمونه خمره‌ها، کاسه‌های سفالین و نمونه‌ای از بشقاب‌های پایه‌دار محوطه گااور قلعه‌سی متعلق به دوره کورا-ارس

جدول ۱: مشخصات فنی سفال‌های طراحی شده تپه گاور قلعه سی

شماره طرح	توصیف: (فرم، رنگ خمیره، پوشش درونی، پوشش بیرونی، شاموت، ساخت، پخت، تزئین)	دوره	محوطه مقایسه	منبع مقایسه
۱	لبه، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی با نقوش کنده (حلزونی شکل)	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران؛ نورشون تپه	Batiuk and Rothman 2007: J; Palumbi 2008: Figure 5.27 and Figure 6.49 n.5; Kleiss and Kroll 1979: Abb.5 n.8
۲	بدنه، خاکستری تیره، نارنجی خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی با نقوش کنده (حلزونی و دایره ای شکل)	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران؛ نورشون تپه	Batiuk and Rothman 2007: J; Palumbi 2008: Figure 5.27 and Figure 6.49 n.5; Kleiss and Kroll 1979: Abb.5 n.8
۳	لبه، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری و خاکستری روشن، کانی، دست ساز، کافی، منقوش نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۴	لبه، خاکستری تیره، قهوه ای روشن، خاکستری تیره و نخودی روشن، کانی دست ساز، کافی، صیقلی داغدار با نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۵	لبه، خاکستری، نخودی، خاکستری و نخودی روشن، کانی، دست ساز، منقوش با نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۶	لبه، خاکستری، قهوه‌ای، خاکستری، کانی، دست ساز، کافی، منقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۷	لبه، خاکستری، نخودی تیره، خاکستری، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی با نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۸	لبه، خاکستری، ، نخودی تیره، خاکستری، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی با نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Alizadeh, et al., 2015: 46, fig 17: 3
۹	لبه و دسته، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی داغدار	مفرغ قدیم	محوطه دوزداغی خوی	ملک پور و گراوند، ۱۳۹۵: ۵۸، شکل ۱۲: ۱۷
۱۰	لبه، خاکستری، قهوه ای روشن، قهوه ای، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی با نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.7, Abb.5 n.1-6, Abb. 6 n.4
۱۱	لبه و دسته، خاکستری، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی	مفرغ قدیم	محوطه دوزداغی تپه باروج مرند کول تپه II آذربایجان	ملک پور و گراوند، ۱۳۹۵: ۵۸، شکل ۱۲: ۱۸ علیزاده و آذرنوش، ۱۳۸۲: ۱۵، شکل ۵: ۱ Seyidov, 2000, P. 55, No: 12
۱۲	لبه و دسته، خاکستری، قهوه ای مایل به قرمز، خاکستری تیره‌کانی، دست ساز، کافی، نقوش کنده هندسی	مفرغ قدیم	محوطه دوزداغی خوی	ملک پور و گراوند، ۱۳۹۵: ۵۹، شکل ۱۳: ۲۲

۱۳	لبه و دسته، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، ناکافی	مفرغ قدیم	تپه باروج مرند کهنه شهر چالدران گوی تپه یانیک تپه محوطه دوزداغی	علیزاده و آذرنوش، ۱۴:۱۳۸۲، شکل ۳: ۶ Alizadeh, et al., 2015: 46, fig 17: 2 Burton-Brown. 1951: 46, No, 953 Burney, 1961, P 1. LXXIII, No: ملک پور و گراوند، ۱۳۹۵: ۵۷، شکل ۱۱: ۱۳
۱۴	لبه و دسته، نارنجی، نخودی، نخودی، کانی، دست ساز، کافی	مفرغ قدیم	تپه باروج مرند گوی تپه وزون تپه آذربایجان	علیزاده و آذرنوش، ۱۴:۱۳۸۲، شکل ۳: ۱۲ Burton-Brown. 1951: 37, No, 106 Ismailov, 1986, Vol, IX, P, 427, No: 8-9
۱۵	لبه و کف، خاکستری، قرمز روشن، قرمز، کانی دست ساز، کافی، صیقلی	مفرغ قدیم	تپه آغشلو خوی	ملک پور، ۱۳۸۹: ۵۶، شکل ۴-۳: ۳
۱۶	لبه، خاکستری، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی	مفرغ قدیم	کهنه شهر	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.3
۱۷	لبه، نارنجی، نخودی، نخودی، کانی، دست ساز، کافی	مفرغ قدیم	محوطه کوشیش	ملک پور، ۱۳۸۹: ۸۵، شکل ۴-۹: ۲
۱۸	لبه، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری و قهوه ای روشن، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی	مفرغ قدیم	تپه باروج مرند کهنه شهر چالدران گوی تپه	علیزاده و آذرنوش، ۱۵:۱۳۸۲، شکل ۵: ۲ Alizadeh, et al., 2015: 45, fig 15: 4 Burton-Brown. 1951: 41, No, 143
۱۹	لبه، خاکستری تیره، قهوه ای روشن، خاکستری تیره و قهوه ای روشن، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی داغدار	مفرغ قدیم	کهنه شهر چالدران	Kleiss and Kroll 1979: Abb.3 n.3
۲۰	لبه، خاکستری تیره، خاکستری روشن، خاکستری تیره، کانی، دست ساز، کافی، صیقلی داغدار	مفرغ قدیم	تپه باروج مرند کول تپه II آذربایجان	علیزاده و آذرنوش، ۱۴:۱۳۸۲، شکل ۳: ۱۲ Seyidov, 2000, P. 44, No: 4
۲۱	ظرف پایه دار، نارنجی، نخودی مایل به قهوه ای، نخودی مایل به قهوه ای، مواد معدنی، دست ساز، ناکافی، صیقلی	مفرغ قدیم	یانیک تپه؛ ارسلان تپه ماخرا بلور	Burney, 1961, P, 150, No: 6; Palumbi 2008: Fig. 3.15 n.15-17 and Figure 3.19 n.1-7; Badalyan 2014: Fig.5 n.29



Tepe Gavor Qaleh Si a Settlement of Kura-Aras Culture in Chaldoran, Northwest Iran

Afrasiab Garavand¹, Akbar Abedi², Ghader Ebrahimi³, Fatemeh Malekpour⁴

DOI: 10.30495/peb.2022.699731

Abstract

Towards the end of the fourth millennium BC, a culture was formed in the Caucasus, northwest Iran and eastern Anatolia, which extended to Central Zagros, central Iran, and northern Iran, and present-day Palestine. Or the culture of Kora-Aras is famous. In this period, northwestern Iran is witnessing an increase in the size of the sites, a sudden change in pottery, and also an unprecedented increase in the number of settlements, which indicates the influence of a new cultural tradition. The tradition of painted chickpea pottery of the previous period (Chalcolithic) is almost obsolete and black-gray pottery is replaced by engraved pottery. Simultaneously with the influence of Kora-Aras culture to the northwest of Iran, the Chaldoran region is also affected by the influence of Kora-Aras culture. Tepe Gavar Qalehsi is a settlement in the middle mountain plain of Chaldoran, which has evidence of Kora-Aras culture. This place, which is located 23 km northwest of Chaldoran city, was identified and examined to visit the city's monuments. The results of archaeological research indicate that this place is a single settlement that was formed in the late fourth millennium and early third millennium BC and has traces and evidence (stone architecture and gray pottery) of this cultural period. The pottery of this area has the most similarities with the pottery of Yanıq Tappeh, Kohnshahr Chaldoran, Baruj Marand, Dozdaghi Khoy, and Kol Tappeh II of the Republic of Azerbaijan. In this study, the collected pottery in the archeological study of Gavar Qaleh Si is studied and archaeological analysis.

Keywords: Northwest Iran, Chaldoran, Gavour Qalehosi, the Early Bronze Age (Kora-Aras), Pottery.

* **Citation:** Garavand, A., Abedi, A., Ebrahimi, G., & Malekpour, F. (2022). Tepe Gavor Qaleh Si a Settlement of Kura-Aras Culture in Chaldoran, Northwest Iran. *Payām-e Bāstānshenās*, 14(26), 103-121. (In Persian)

¹ Ph.D. candidate in Archaeology, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran. Corresponding author: garavand.afra@gmail.com

² Associate Professor, Department of Archaeology and Archaeometry, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

³ Ph.D. in Archaeology; University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran.

⁴ Master of Archaeology; Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of West Azerbaijan, Urmia, Iran.